

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

مستِ باده

ز تاب عارضش آتش بجان افتاده، تب اینست
مرا در کوی خود افتاده در خون دید، حیران شد
به پیش لعل او از تشنه کامی سوختم، اما
به خاک انتظارم مینشانند، خود نمی آید
سپند روی مجمر گشتم و عمری ست میسوزم
به جز از عشق تو در دل ندارد راه، اینک دل
به رویم بی سبب پاماندی و با غیر پیوستی
چو مست باده گردی ساده تر بنشین به پهلویم

به یاد کاکلش روزم سیه گردیده شب اینست
کسی از کشته خود بیخبر باشد، عجب اینست
نکردم خواهش یک بوسه از لعلش ادب اینست
نمی آید، نمیخواند، نمیراند، غضب اینست
بت من دوران رویت مرا عیش و طرب اینست
نرفته جز دعایت بر لبم ای شوخ، لب اینست
منت با خون دل پرورده ام آخر سبب اینست
یگانه آرزویم از تو ای شوخ شغب اینست

«اسیر» از ما به عشق خود ندیده هیچ کوتاهی

بت من خود بود کوتاهبین، امروز گپ اینست

(کابل نازنین - عقرب ۱۳۳۱ ش)